



پیش‌بینی اضطراب جدایی بر اساس ذهنی‌سازی والدینی با نقش میانجی تنظیم هیجان

فرناز اکوان^۱

چکیده

هدف از انجام پژوهش حاضر، پیش‌بینی اضطراب جدایی بر اساس ذهنی‌سازی والدینی با نقش میانجی تنظیم هیجان است. روش پژوهش همبستگی با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان سوم تا پنجم ابتدایی و مادران آنها در شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود که ۱۶۰ نفر از آنها به‌عنوان نمونه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسش‌نامه‌های اضطراب جدایی (نسخه والدین) هان و همکاران (۲۰۰۳)، ذهنی‌سازی والدینی لویتن و همکاران (۲۰۱۷) و تنظیم هیجان گراس و جان (۲۰۰۳) بود که همگی از اعتبار و پایایی قابل قبولی برخوردار بودند. به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از دو روش توصیفی (شاخص‌های مرکزی و پراکندگی) و استنباطی (معادلات ساختاری) از نرم‌افزار SPSS-V24 و Lisrel-۷8.8 استفاده گردید. نتایج نشان داد که ذهنی‌سازی والدینی می‌تواند به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم (با نقش میانجی تنظیم هیجان)، اضطراب جدایی را پیش‌بینی کند. به‌طور کلی نتایج پژوهش حاکی از آن بود که تنظیم هیجان در رابطه بین اضطراب جدایی و ذهنی‌سازی والدینی، نقش میانجی دارد.

واژه‌های کلیدی: اضطراب جدایی، ذهنی‌سازی والدینی، تنظیم هیجان

۱ کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی‌شهر، اصفهان، ایران. (Farnazstar77@yahoo.com)



۱- مقدمه

کودکان در روند تحول خود مشکلات رفتاری و هیجانی خاصی پیدا می‌کنند که به خاطر فشارهای رشد و منطبق شدن با انتظارات والدین و جامعه است (ژوان، چن، یوان^۱ و همکاران، ۲۰۱۸). گرچه برخی از این مشکلات و اضطراب‌ها در دوران کودکی بهنجار محسوب می‌شود؛ اما بعضی از آنها در طول زمان نسبتاً پایدارند (کارماسی، جسی، ماسیمتی، شییر و دلوسو^۲، ۲۰۱۵). از اختلالات شایع در کودکان، اختلال اضطراب جدایی^۳ است. خصیصه‌ی اصلی این اختلال، اضطراب غیرواقعی و مفرط در مورد جدایی یا پیش‌بینی جدایی از خانه یا کسانی است که شخص به آنها دلبستگی دارد (این - آلبون، مییر و اشنايدر^۴، ۲۰۱۳). چنین اضطرابی در هر موقعیتی که احتمال جدایی وجود دارد به طور شدید برانگیخته می‌شود و فرد را بر آن می‌دارد تا از موقعیت‌هایی که مستلزم جدایی هستند اجتناب کند (بیتنر و آنگولد^۵، ۲۰۱۷). آغاز اختلال اضطراب جدایی ممکن است بسیار زود هنگام و در سنین پیش‌دبستانی باشد؛ ولی معمولاً در حدود سنین ۶ تا ۷ سالگی شروع می‌شود و در سنین ۷ تا ۹ سالگی به اوج می‌رسد (طالب‌پور، نیسی، مهربابی‌زاده هنرمند، شهنی‌بیلاق و بساک‌نژاد، ۱۳۹۲). میزان شیوع این اختلال بین ۶ تا ۱۸ درصد گزارش شده است (ایسائو و گابیدان^۶، ۲۰۱۳). شواهد نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم در ایجاد و تداوم این‌گونه اختلالات، اشکال در تنظیم هیجان است (حسنی، شیخان، آریاناکیا و محمدزاده، ۱۳۹۲). تنظیم هیجان از دیدگاه گارنفسکی و گرایچ (۲۰۰۶) به راهبردهایی اطلاق می‌شود که به منظور کاهش، افزایش یا نگهداری تجارب هیجانی مورد استفاده قرار می‌گیرد (ناصری، قاسم‌پور و محمودی‌ا قدم، ۱۳۹۴). در واقع یکی از ویژگی‌های اصلی اختلال اضطراب جدایی، اشکال در تنظیم تجربه، ابراز احساسات و راه سازگاری و پاسخ‌دادن به تجربیات زندگی است (مارکوس، مونتیرو، کاناوارو و فونسکا^۷، ۲۰۱۸)؛ براین اساس افراد مضطرب هنگام روبه‌رو شدن با هیجانات منفی در به‌کاربردن راهبردهای مدیریت هیجان با مشکل مواجه شده و در بهبود مجدد خلق منفی، کارایی کمتری نشان می‌دهند (وندرلیند،

1 Xuan, Chen, Yuan

2 Carmassi, Gesi, Massimetti, Shear & Dell'Osso

3 separation anxiety

4 In-Albon, Meyer & Schneider

5 Bittner & Angold

6 Essau & Gabbidon

7 Marques, Monteiro, Canavarro & Fonseca



میلگرام، باسکین سامر، کلارک و جورمن^۱، (۲۰۲۰)، کمتر از سبک‌های هیجانی سازگار استفاده می‌کنند (آرجیو و لی^۲، ۲۰۲۰) و از موقعیت‌هایی که برانگیزاننده هیجانات شدید است اجتناب می‌کنند (بلور، خوزه و رزمن^۳، ۲۰۲۰). فوناگی^۴ (۲۰۱۸) معتقد است که توانایی ذهنی‌سازی یک تعیین‌کننده کلیدی در سازماندهی به خود و رشد توانایی تنظیم هیجان است. ذهنی‌سازی یا کنش‌وری بازتابی به ظرفیت درک خود و دیگری بر حسب حالات ذهنی گفته می‌شود (لویتن، کمپل، آلیسون^۵ و فوناگی^۶، ۲۰۲۰). این ظرفیت، قدرت اندیشیدن درباره تفکر و احساس خود و دیگران را در فرد به وجود می‌آورد و به عبارتی، به توانایی یک فرد برای مشاهده‌ی خود از بیرون و دیگری از درون اشاره دارد (لویتن، مایز، نیجسنس و فوناگی^۶، ۲۰۱۷). از همین رو، اختلال در آن، فرد را با بسیاری از مشکلات روان‌شناختی مواجه می‌کند (اسماعیلی‌نسب و هاشمی، ۱۴۰۰). برونی و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهش خود نشان دادند که مهارت‌های ذهنی‌سازی باکیفیت مراقبت‌های والدینی و آسیب‌های دوران کودکی ارتباط دارد (عینی، نریمانی و صادقی‌موحد، ۱۳۹۸). از نظر فوناگی (۲۰۱۸) ذهنی‌سازی تنها یک نمودار رفتاری نیست، بلکه ساختاری است که از نوزادی تا کودکی تحول می‌یابد و تحول آن به تعامل با ذهنی‌نمو یافته‌تر (مراقب) وابستگی دارد که حاضر و انعکاس‌دهنده است. بر اساس آنچه ذکر شد و باتوجه‌به نوظهور بودن مفهوم ذهنی‌سازی در پژوهش‌های داخلی و اهمیت آن در دوران رشد و کودکی، هدف از انجام این پژوهش بررسی رابطه‌ی اضطراب جدایی و ذهنی‌سازی والدینی با نقش میانجی تنظیم هیجان می‌باشد.

۲- روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی؛ از نظر روش گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع همبستگی است که از روش الگویابی معادلات ساختاری یا الگویابی علی استفاده می‌کند. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان کلاس سوم تا پنجم دوره‌ی دبستان و مادران آنها در شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. طبق نظر کلاین (۲۰۰۵) تعداد گویه‌های ابزار مورد استفاده در پژوهش در ۲/۵ الی ۵ ضرب می‌شود تا حداقل و حداکثر حجم نمونه تعیین شود. باتوجه‌به اینکه مجموعه گویه‌های مقیاس‌های پژوهش حاضر ۶۲ گویه است، بنابراین حجم نمونه می‌تواند بین ۱۵۵ تا ۳۱۰ نفر باشد

1 Vanderlind, Millgram, Baskin-Sommers, Clark & Joormann

2 Argyriou & Lee

3 Bloore, Jose & Roseman

4 Fonagy

5 Luyten, Campbell, Allison

6 Luyten, Mayes, Nijssens & Fonagy



که برای اطمینان ۱۶۰ نفر در نظر گرفته شده‌اند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بود که از بین مناطق ۲۲ گانه‌ی شهر تهران ۸ منطقه و از هر ۸ منطقه ۲ مدرسه و از هر مدرسه ۲ کلاس و از هر کلاس ۵ نفر به‌صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های پژوهش را تکمیل کردند. ابزار اندازه‌گیری در این پژوهش پرسش‌نامه‌های اضطراب جدایی - نسخه والدین - هان و همکاران (۲۰۰۳)، ذهنی‌سازی والدینی لویتن و همکاران (۲۰۱۷) و تنظیم هیجان گراس و جان (۲۰۰۳) بود.

نسخه والدین مقیاس اضطراب جدایی: این مقیاس ۳۴ ماده‌ای توسط هان، هاجیلینیان، ایسن، وندر و پینکاس (۲۰۰۳) ساخته شد و دارای ۴ زیرمقیاس ترس از تنها ماندن، ترس از رهاشدن، ترس از بیماری جسمی و نگرانی درباره‌ی رویدادهای خطرناک است. والدین ماده‌ها را بر اساس مقیاس چهار درجه‌ای لیکرت بر اساس ۱= هرگز تا ۴= همیشه نمره‌گذاری می‌کنند. مطالعه‌ی قبلی ضریب همسانی درونی آزمون را ۰/۹۱ و ضریب بازآزمایی آن را ۰/۸۳ گزارش کرده‌اند. در ایران نیز مفرد، عبدالله و اوبا (۲۰۰۹) ضریب پایایی برای نمره کل را ۰/۹۴ گزارش کرده‌اند. این مقیاس توسط طلایی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۵) به فارسی ترجمه و پس از آن باز ترجمه شد. جهت تأیید روایی صوری و محتوایی مقیاس از نظرات دو نفر متخصص روان‌شناسی استفاده و سپس تغییرات اندکی در شکل نوشتاری مقیاس طبق نظر آنها ایجاد و ضریب آلفای کرونباخ مقیاس برای نمره کل ۰/۸۷ و برای زیرمقیاس‌ها بین ۰/۶۲ تا ۰/۷۴ برآورد شد.

پرسش‌نامه ذهنی‌سازی (کنش‌وری بازتابی) والدین (PRFQ¹): این مقیاس توسط لویتن، مایز، نیجسنس و فوناگی (۲۰۱۷) ساخته شده است که دارای ۱۸ گویه و سه زیرمقیاس پیش‌ذهنی‌سازی، اطمینان از حالات ذهنی و علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی است. هر زیرمقیاس شامل ۶ گویه است و پاسخ به هر گویه در طیف هفت درجه‌ای از نوع لیکرت تنظیم شده است. گویه‌های ۱۱ و ۱۸ معکوس نمره‌گذاری می‌شود و زیرمقیاس‌های پیش‌ذهنی‌سازی و اطمینان از حالات ذهنی با کنش‌وری بازتابی والدین رابطه معکوس دارد و زیرمقیاس علاقه‌مندی و کنجکاوی با کنش‌وری بازتابی والدین رابطه مثبت دارد. پژوهش لویتن و همکاران (۲۰۱۷) سه زیرمقیاس به‌وسیله‌ی تحلیل عاملی اکتشافی و تأییدی برای این پرسش‌نامه تأیید کرده است و مقدار آلفای کرونباخ برای پیش‌ذهنی‌سازی ۰/۷، برای اطمینان از حالات ذهنی ۰/۸۲ و برای علاقه و کنجکاوی به حالات ذهنی ۰/۷۵ گزارش شده است. در پژوهش اسماعیلی‌نسب و هاشمی (۱۴۰۰) آلفای کرونباخ



برای پیش‌ذهنی‌سازی، اطمینان از حالات ذهنی و علاقه‌مندی و کنجکاوی به ترتیب ۰/۹۰، ۰/۸۹ و ۰/۷۹ به دست آمده است. پایایی این پرسش‌نامه در نسخه‌ی اصلی و نسخه ایرانی قابل قبول گزارش شده است.

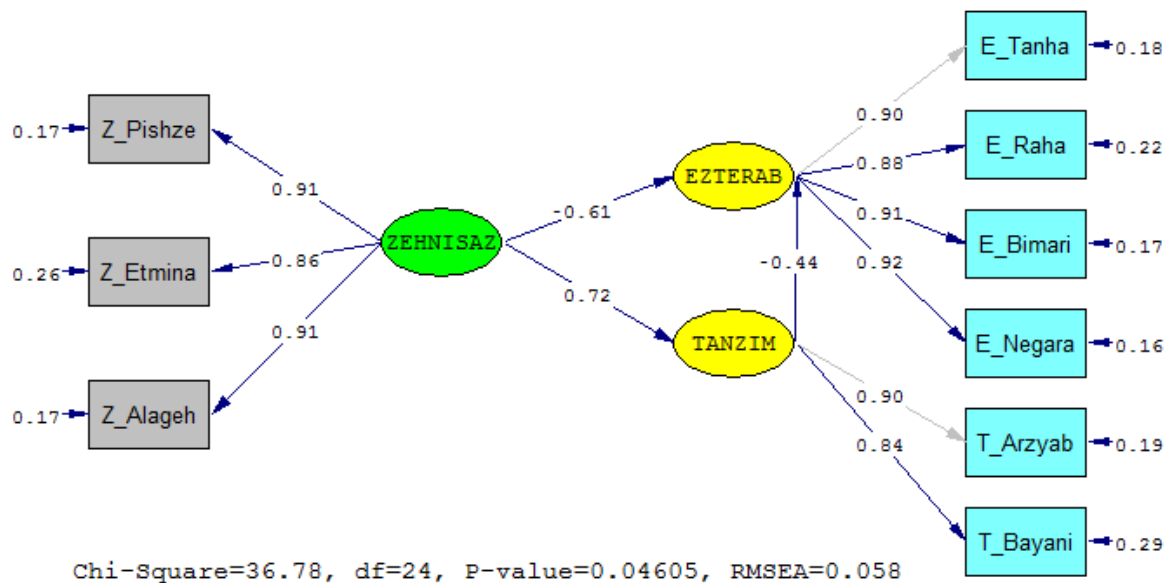
پرسش‌نامه تنظیم هیجان گراس و جان (۲۰۰۳): این پرسش‌نامه بر اساس مدل فرایند تنظیم هیجان گراس (۲۰۰۱) بنا شده است. این ابزار دارای دو خرده‌مقیاس است: ارزیابی مجدد شناختی (۶ گویه) و منع بیانی (۴ گویه). ارزیابی مجدد شناختی شکلی از تغییر شناختی است که در بردارنده‌ی بازسازی یک موقعیت فراخوان هیجان بالقوه به شیوه‌ای است که اثر هیجانی آن را تغییر می‌دهد. منع بیانی نیز شکلی از تعدیل پاسخ است که شامل بازداری رفتار ابراز هیجان جاری است. نسخه‌ی اصلاح شده‌ی این ابزار (پرسش‌نامه‌ی تنظیم هیجان کودکان و نوجوانان). در مطالعه‌ی حاضر استفاده می‌شود. اصلاحات تنها شامل ساده‌سازی عبارت‌بندی گویه‌هاست و دارای طیف لیکرت پنج درجه‌ای است (موافقم=۱ تا مخالفم=۵). ویژگی روان‌سنجی این ابزار در سنین نه تا شانزده‌سالگی همسانی درونی خوبی (آلفای ۰/۸۱ برای ارزیابی مجدد و ۰/۶۹ برای منع بیانی) و قابلیت اعتماد آزمون - بازآزمون کافی را نشان داده است. قابلیت اعتماد این پرسش‌نامه در پژوهش محمودی و همکاران (۱۳۹۵) تأیید شد و آلفای کرونباخ برای کودکان ۰/۵۶ و ضریب تصنیف گاتمن ۰/۶۵ بوده است که نشان از قابلیت اعتماد متوسط در کودکان دارد.

لازم به ذکر است در این پژوهش به منظور سنجش پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار این ضریب برای هر یک از متغیرها بالاتر از ۰/۷ به دست آمد که نشان از پایایی برای هر یک از ابزار داشت.

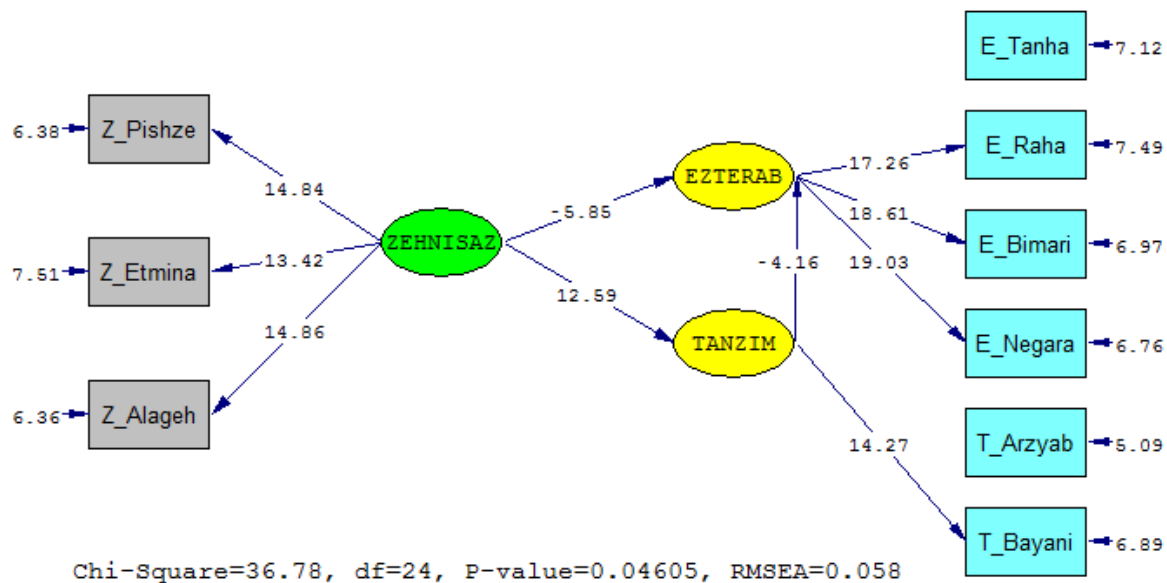
تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از اجرای پرسش‌نامه‌ها از طریق نرم‌افزار SPSS-V24 و Lisrel8.8 و در بخش استنباطی (مدل‌سازی معادلات ساختاری) انجام پذیرفت.

۳- یافته‌ها

به منظور بررسی رابطه نقش میانجی «تنظیم هیجان» در رابطه «ذهنی‌سازی والدینی» و «اضطراب جدایی» در یک مدل، از مدل معادلات ساختاری تأییدی استفاده شد. بدین منظور، پس از رسم ساختار در نرم‌افزار LISREL، اضافه نمودن قیود مدل و انتخاب روش ماکسیمم درست‌نمایی، مدل اجرا شده و نمودار مسیر برازش شکل‌های ۱ و ۲ به دست آمد.



شکل ۱ ضرایب مسیر و بارهای عاملی مدل



شکل ۲ t-Value مربوط به مدل



باتوجه به معیارهای خی - دو و RMSEA این مدل برازش مناسبی به داده ها ارائه می کند. در جدول ۱، مهم ترین و متداول ترین شاخص های برازش آورده شده است. همان گونه که در جدول ۱ دیده می شود، همگی شاخص ها کفایت آماری دارند؛ بنابراین، با اطمینان می توان دریافت محقق در مورد این شاخص ها به برازش نسبتاً کاملی دست یافته است.

جدول ۱ گزیده ای از شاخص های برازش مهم مدل ترسیمی

شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	برازش قابل قبول
شاخص های برازش مطلق	سطح تحت پوشش (کای اسکوتر)	-	۳۶.۷۸	
	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰.۹۵	بزرگ تر از ۰.۸
شاخص های برازش تطبیقی	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	۰.۹۱	بزرگ تر از ۰.۸
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰.۹۹	بزرگ تر از ۰.۹
شاخص های برازش مقتصد	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰.۰۵۸	کمتر از ۰.۱

در جدول ۲، ضرایب مسیر به همراه مقادیر t برای فرضیه های فوق آورده شده است. همان طور که مشخص است، مسیرهای مورد آزمون، پذیرفته می شوند.

جدول ۲ ضرایب مسیر و مقادیر t

مسیر	ضریب مسیر	مقدار t	وضعیت
ذهنی سازی والدینی --> تنظیم هیجان	۰.۷۲	۱۲.۵۹	پذیرفته شد
تنظیم هیجان --> اضطراب جدایی	-۰.۴۴	-۴.۱۶	پذیرفته شد
ذهنی سازی والدینی --> اضطراب جدایی	-۰.۶۱	-۵.۸۵	پذیرفته شد

برای بررسی میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته لازم است تا اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم برای متغیر درون زای مدل ارائه شود که این اثرات در جدول ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲ تفکیک اثرات، مستقیم، غیرمستقیم

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر	
		مستقیم	غیرمستقیم
ذهنی سازی والدینی	تنظیم هیجان	۰.۷۲	---
تنظیم هیجان	اضطراب جدایی	-۰.۴۴	----
ذهنی سازی والدینی	اضطراب جدایی	-۰.۶۱	-۰.۴۴ * ۰.۷۲ = -۰.۳۲



همان طور که در جدول ۱ قابل مشاهده است، تأثیر ذهنی سازی والدینی بر اضطراب جدایی از طریق تنظیم هیجان به میزان ۰.۹۳- است.

۴- بحث و نتیجه گیری

نتایج تحلیل آماری نشان داد که تنظیم هیجان در رابطه بین اضطراب جدایی و ذهنی سازی، نقش میانجی دارد. اگرچه تا به حال پژوهشی نقش میانجی تنظیم هیجان را در رابطه بین این دو متغیر مورد مطالعه قرار نداده است؛ اما ارتباط بین متغیرها در پژوهش های مختلف نشان داده شده است. رابطه بین ذهنی سازی و تنظیم هیجان در پژوهش هایی همچون دروگر و همکاران (۱۳۹۸)، اسماعیلی نسب و هاشمی (۱۴۰۰)؛ رابطه بین ذهنی سازی و اضطراب در پژوهش هایی همچون افشاری، رحیمیان بوگر و نجفی (۱۳۹۹)، کریمی، فرح بخش، سلیمی بجستانی و معتمدی (۱۳۹۷)؛ رابطه بین اضطراب جدایی و تنظیم هیجان در پژوهش هایی همچون سیدی اندی، نجفی و رحیمیان بوگر (۱۴۰۰)، ناصری و همکاران (۱۳۹۴)؛ مورد مطالعه و تأیید قرار گرفته است. در تبیین یافته های حاصل از پژوهش می توان گفت در کودکی اولیه، وجود یک عملکرد ذهنی برای اینکه کودک بتواند حالت ذهنی خودش را از حالت ذهنی دیگران متمایز کند، ضرورت دارد. وقتی کودک با تجربه گیج کننده تغییرات فیزیولوژیک و روانی مواجه می شود، مادر حالت او را با تظاهرات چهره ای و کلامی به صورت اینکه (خسته ای، عصبانی هستی، گرسنه ای و غیره) به او بازخورد می دهد. در این اثنا کودک به کمک مادر یک بازنمایی از حالت درونی خودش در ذهن ایجاد می کند و می تواند به آن حالت گیج کننده درونی خود سازمان داده و آن را به عنوان حالت هیجانی خود برچسب بزند (اسلید و هولمز^۱، ۲۰۱۹) که نشان دهنده رابطه ی توانایی ذهنی سازی والدینی با توانایی تنظیم هیجان در کودک می باشد. بر اساس نظریه ی فوناگی (۲۰۱۸)، ظرفیت تنظیم هیجان و توانایی در تعدیل حالت های عاطفی با توانایی فرد در ذهنی سازی مرتبط است. دلبستگی ایمن، سبکی از تعامل کلامی و عاطفی بین مادر و کودک ایجاد می کند که به نوبه ی خود از گسترش توانایی فرد در فکر کردن در مورد احساسات و نیت های دیگران (ذهنی سازی) حمایت می کند (دروگر، فتحی آشتیانی و اشرفی، ۱۳۹۹). شکل گیری ظرفیت ذهنی سازی در نوزاد، وابسته به کیفیت روابط دلبستگی، در دسترس بودن مراقبان به لحاظ عاطفی و بازتاب تجربه های فاعلی نوزاد توسط افراد قابل اعتماد است (فوناگی، لویتن و استراترن^۲، ۲۰۱۱). توانایی مادر برای درک خردسال، در جهت گسترش این ظرفیت بسیار اهمیت دارد (اسلید،

1 Slade & Holmes

2 Strathearn



گرینبرگر، برنباچ، لوی و لاکر^۱، (۲۰۰۵). ظرفیت والدین برای استفاده از تجربه‌ی ذهنی خودشان برای درک خردسال، تأثیر مهمی در ایفای نقش والدگری بازی می‌کند و در نتیجه به گسترش دلبستگی ایمن خردسال کمک می‌کند (روتزفورد، گلدبرگ، لویتن، بریجت و مایز^۲، ۲۰۱۳) و از اضطراب جدایی او می‌کاهد. بر اساس مدل رشدی فوناگی و تارگت (۱۹۹۷) در بافتی که در آن والدینی امن و علاقه‌مند به ذهن و ذهنیت کودک حضور دارند به رشد خود و تنظیم هیجان و در نتیجه ایجاد خودی انعکاس‌گر و اندیشمند و توانمند برای ذهنی‌سازی کمک می‌کنند. این شیوه‌ی اندیشمندانه و انعکاس‌دهنده تفکر به کودک کمک می‌کند تا رفتارها را پیش‌بینی، مدیریت و درک کند و تجربه‌های استرس‌زا، سردرگمی، فقدان کنترل و عدم اعتماد را در برخورد با هیجانات شدید کاهش دهد (قنبری، نظیری و امیدوار، ۱۳۹۹)؛ بنابراین ذهنی‌سازی والدینی، خودتنظیمی هیجانی را به‌خصوص از طریق کمک به فرد برای کنارآمدن با احساسات استرس‌آمیز، پرورش می‌دهد و با ایجاد دلبستگی ایمن، اضطراب جدایی را کاهش می‌دهد.

هر پژوهش محدودیت‌هایی با خود به همراه دارد و این پژوهش از آن مستثنی نیست، محدودیت‌هایی همچون ابزار اندازه‌گیری که محدود به پرسش‌نامه‌ها بوده و یا متغیرهای مزاحمی که امکان کنترل آن در این پژوهش وجود نداشته است. اهمیت ذهنی‌سازی والدینی در تحول روانی خردسالان و تأثیر مستقیم آن در تحول دلبستگی ایمن خردسالان، پژوهش در این زمینه را ضروری می‌سازد، لذا پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی به مقایسه عملکرد مادران و پدران و مطالعه‌ی متغیرهای دیگر مرتبط با توانایی ذهنی‌سازی والدینی و تأثیر آن بر فرزندان آنان پرداخته شود.

1 Slade, Grienberger, Bernbach, Levy & Locker
2 Rutherford, Goldberg, Luyten, Bridgett & Mayes



منابع

- اسماعیلی نسب، مریم و هاشمی، شیرین. (۱۴۰۰). ذهنی سازی والدینی و تنظیم هیجان: اعتباریابی و پایایی سنجی نسخه فارسی پرسش نامه کنش وری بازتابی والدین، روان شناسی بالینی، ۱۳(۱)
- افشاری، امیرحسین؛ رحیمیان بوگر، اسحاق و نجفی، محمود. (۱۳۹۹). اثر ساختاری استرس مزمن، تاب آوری و جسمانی سازی بر ناتوانی کارکردی در نشانگان بدنی کارکردی: نقش واسطه ای ذهنی سازی، روان شناسی سلامت، ۹(۳)
- حسنی، جعفر؛ شیخان، ریحانه؛ آریاناکیا، المیرا و محمودزاده، اکرم. (۱۳۹۲). اضطراب اجتماعی نوجوانان: نقش سبک های دلبستگی و راهبردهای نظم جویی هیجان، روان شناسی تحولی، ۳۶(۹): ۳۶۳-۳۷۵
- دروگر، الهه؛ فتحی آشتیانی، علی و اشرفی، عماد. (۱۳۹۹). نقش واسطه ای ذهنی سازی در رابطه بین دلبستگی و دشواری در نظم جویی هیجان با اضطراب اجتماعی، روان شناسی تحولی: روان شناسان ایرانی، ۱۷(۶۶)
- سیدی اندی، سیده معصومه؛ نجفی، محمود و رحیمیان بوگر، اسحاق. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی بازی درمانی کودک محور و بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد - کودک بر سبک های عاطفی در کودکان دارای اختلال اضطراب جدایی، پژوهش های مشاوره، انجمن مشاوره ی ایران، ۲۰(۷۹)
- طالب پور، اکبر؛ نیسی، عبدالکاسم؛ مهربانی زاده هنرمند، مهناز؛ شهنی بیلاق، منیجه و بساک نژاد، سودابه. (۱۳۹۲). اثربخشی درمان گروهی تعامل والد - کودک بر کاهش نشانه های اختلال اضطراب جدایی دانش آموزان، دست آوردهای روان شناسی (علوم تربیتی و روان شناسی)، دانشگاه شهید چمران اهواز، ۴(۱): ۶۱-۷۸
- عینی، ساناز؛ نریمانی، محمد و صادقی موحد، فریبا. (۱۳۹۸). مقایسه اثربخشی درمان مبتنی بر ذهنی سازی و درمان شناختی تحلیلی بر قدرت ایگو و مکانیسم های دفاعی افراد مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، افق دانش، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی گناباد، ۲۵(۴)
- قنبری، فاطمه؛ نظیری، قاسم و امیدوار، بنفشه. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر ذهنی سازی بر کیفیت زندگی کودکان مبتلا به اختلال کم توجهی/بیش فعالی، روش ها و مدل های روان شناختی، ۱۱(۴۰)
- کریمی، فریبا؛ فرح بخش، کیومرث؛ سلیمی بجستانی، حسین و معتمدی، عبدالله. (۱۳۹۷). رابطه ذهنی یازی با اضطراب و اجتناب مرتبط با دلبستگی در دختران نوجوان، تحقیقات علوم رفتاری، ۱۶(۴)
- ناصری، ابوذر؛ قاسم پور، عبدالله و محمودی اقدم، منصور. (۱۳۹۴). اضطراب جدایی، تنظیم هیجانی و همجوشی فکر - عمل در نوجوانان دختر، روان شناسی معاصر، ۱۰(ویژه نامه): ۱۵۹۴-۱۵۹۷



- Argyriou, E., & Lee, A. (2020). The role of distress and fear trans diagnostic dimensions in emotion regulation choice. *Journal of Affective Disorders*, 276, 433-440
- Bittner A. & Angold A. (2017). What do childhood anxiety disorders predict? *Journal of Child Psychology Psychiatry*, 48(12), 1174-83
- Bloore R., Jose, P., & Roseman, I. (2020). General emotion regulation measure (GERM): Individual differences in motives of trying to experience and trying to avoid experiencing positive and negative emotions. *Personality and Individual Differences*, 166, 110174.
- Carmassi, C., Gesi, C., Massimetti, E., Shear, M., & Dell'Osso, L. (2015). Separation anxiety disorder in the DSM-5 era. *Journal of Psychopathology*, 21, 365-371
- Essau, C. A., & Gabbidon, J. (2013). Epidemiology, comorbidity and mental health service utilization. In: Essau, C.A., Ollendick, T.H. (Eds.). *The WileyBlackwell Handbook of the Treatment of Childhood and Adolescent Anxiety*, Firsted. Wiley-Blackwell, Chichester
- Fonagy P. (2018). *Affect regulation, mentalization and the development of the self*. Routledge. 2018 Apr 24.
- Fonagy P, Luyten, P., & Strathearn, L. (2011). Borderline personality disorder, mentalization, and the neurobiology of attachment. *Infant mental health journal*;32(1):22.
- In-Albon, T., Meyer, A. H., & Schneider, S. (2013). Separation Anxiety Avoidance Inventory-Child and Parent Version: Psychometric properties and clinical utility in a clinical and school sample. *Child Psychiatry and Human Development*, 44(6), 689–697. <https://doi.org/10.1007/s10578-013-0364-z>
- Luyten P, Mayes, L. C., Nijssens, L., & Fonagy, P. (2017). The Parental Reflective Functioning Questionnaire: Development and preliminary validation. *PLoS ONE*;12(5).
- Luyten P, Campbell, C., Allison, E., & Fonagy, P. (2020). The mentalizing approach to psychopathology: State of the art and future directions. *Annual Review of Clinical Psychology*, 16:28
- Marques, R., Monteiro, F., Canavarro, M., & Fonseca, A. (2018). The role of emotion regulation difficulties in the relationship between attachment representations and depressive and anxiety symptoms in the postpartum period. *Journal of Affective Disorders*, 2381, 39-46.



- Rutherford HJ, Goldberg, B., Luyten, P., Bridgett, D. J., & Mayes, L. C. (2013). Parental reflective functioning is associated with tolerance of infant distress but not general distress: evidence for a specific relationship using a simulated baby paradigm. *Infant Behavior and Development*;36(4):6.
- Slade A, Holmes J. (2019). Attachment and psychotherapy. *Current opinion in psychology*. 2019 Feb 1; 25: 152-6. 9. Debbané M. Anth
- Slade A, Grienenberger, J., Bernbach, E., Levy, D., & Locker, A. (2005). Maternal reflective functioning, attachment, and the transmission gap: a preliminary study. *Attachment & humandevelopment*;7(3):15.
- Vanderlind, M., Millgram, Y., Baskin-Sommers, A., Clark, M., & Joormann, J. (2020). Understanding positive emotion deficits in depression: From emotion preferences to emotion regulation. *Clinical Psychology Review*, 76, 101826
- Xuan, X., Chen, F., Yuan, Ch., Zhang, X., Luo, Y., Xue, Y., & Wang, Y. (2018). The relationship between parental conflict and preschool children's behavior problems: A moderated mediation model of parenting stress and child emotionality. *Children and Youth Services Review*, 95, 209-216



Prediction of separation anxiety based on parental mentalization with the mediating role of emotion regulation

Farnaz Ekvan¹

Abstract

The purpose of the current research is to predict separation anxiety based on parental mentalization with the mediating role of emotion regulation. The research method is correlation using structural equation modeling. The statistical population of the present study included all the third to fifth elementary students and their mothers in Tehran in the academic year of 1401-1400, and 160 of them were selected as a sample using multi-stage cluster sampling. . The measurement tools in this research were separation anxiety questionnaires (parent version) by Han et al. (2003), parental mentalization by Leviten et al. (2017) and emotion regulation by Gross and John (2003), all of which had acceptable validity and reliability. In order to analyze the data, two descriptive (central and dispersion indices) and inferential (structural equations) methods were used using SPSS-V24 and Lisrel-V8.8 software. The results showed that parental mentalization can directly and indirectly (with the mediating role of emotion regulation) predict separation anxiety. In general, the research results indicated that emotion regulation plays a mediating role in the relationship between separation anxiety and parental mentalization.

Keywords: separation anxiety, parental mentalization, emotion regulation

¹ Master of Clinical Psychology, Department of Educational Sciences and Psychology, Faculty of Human Sciences, Islamic Azad University, Khomeinishahr Branch, Isfahan, Iran.